

رسالت اجتماعی قرآن در گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر نهج البلاغه و بیانات مقام معظم رهبری رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

زینب طیبی^۱ (نویسنده مسئول)

هاجر شعبانی موسی کلایه^۲

چکیده

رسالت اجتماعی قرآن کریم، احساس تعهد، ابلاغ و اجرای حقایق عالی تر از وضع موجود یا کوشش برای ادامه آن حقایق از یک منبع والاتر به انسان‌های نیازمند آن حقایق است. با توجه به آموزه‌های قرآن کریم و روایات اسلامی، یکی از راه‌های رسیدن به آرمان‌های اسلامی، زندگی اجتماعی است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که نقشه راه انقلاب اسلامی است و تمسک به آن می‌تواند چراغ راه آینده کشور باشد، به اهمیت و جایگاه زندگی اجتماعی اشاره کرده است. از آنجاکه نظام جمهوری اسلامی در ایران برگرفته از آموزه‌های اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است، تطبیق مسائل مطرح شده در بیانیه گام دوم بر اساس معارف اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام ضروری است. این پژوهش، به تحلیل بُعد اجتماعی رسالت قرآن کریم

۱. استاد یار علوم و قرآن حدیث دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران ztayyebi62@gmail.com

۲. دانش آموخته سطح ۳ تفسیر و علوم قرآنی، معاون پژوهش مدرسه علمیه عالی حضرت آمنه عَلَيْهَا السَّلَام قم
shabanihajar@yahoo.com

در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر نهج‌البلاغه و بیانات مقام معظم رهبری اختصاص یافته است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که روح حاکم بر بیانیه، متأثر از مفاهیم و فضای قرآنی و با الهام از آیات وحی و احادیث معصومین علیهم‌السلام به ویژه نهج‌البلاغه است. از منظر نهج‌البلاغه و بیانات رهبری، رسالت اجتماعی قرآن کریم در بُعد معاشرت، تبیین ارزش‌های اخلاق اجتماعی، انتقال ارزش‌های اجتماعی مثبت، پیشگیری از پدیدآمدن ارزش‌های اجتماعی منفی، بیان علل سقوط جوامع انسانی و هنجارها و آداب معاشرت، تبیین نظم بخشی به امور اجتماعی و عوامل آن است. در این پژوهش، روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها کتابخانه‌ای، ابزار گردآوری فیش‌برداری و روش پردازش اطلاعات توصیفی-تحلیلی است.

کلیدواژگان: نهج‌البلاغه، رسالت اجتماعی قرآن، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، رهبر معظم انقلاب اسلامی.

مقدمه

حکمت آفرینش انسان، به فعلیت رساندن کمالات نهفته‌ای است که خداوند در وجود وی قرار داده است. قرآن کریم جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب آسمانی است که برای هدایت بشر استوارترین و کامل‌ترین برنامه‌ها را جهت رسیدن به کمال نهایی‌اش، پایه‌ریزی کرده است. یکی از مهم‌ترین مسائل حائز اهمیت در قرآن کریم، رسالت قرآن در بُعد اجتماعی است. رسالت اجتماعی قرآن کریم بدان معناست که اهداف اجتماعی در جامعه و راهکارهایی که در جهت نیل به این اهداف است، در قرآن بیان شده است.

از مجموعه آیات و روایات و آموزه‌های نهج البلاغه می‌توان دریافت که از ویژگی‌های وجود انسان، وابستگی او به اسباب و عوامل است، به طوری که به موجب این نیاز زندگی اجتماعی دارد و به طور طبیعی باید در میان هم‌نوعان خود زیست نماید و به آن‌ها احتیاج دارد. همچنین به دلیل ماهیت اجتماعی زندگی انسان، وی به سایر اسباب دنیای مادی نیز محتاج است و برای رسیدن به اهداف متنوع خود از آن‌ها کمک می‌گیرد و دلیل برتری برخی انسان‌ها بر برخی دیگر، از نظر امکانات و استعدادها، مسخر نمودن برخی، توسط برخی دیگر در جامعه است تا بدین وسیله زمینه‌های زندگی اجتماعی انسان‌ها فراهم شود (ر. ک: طباطبائی، ۱۳۷۸: ۱/ ۱۷۷؛ مطهری، ۱۳۸۷: ۲۳- ۱۷). در واقع، خاصیت زندگی اجتماعی برای انسان‌ها، نیازمندی آن‌ها به یکدیگر و وابستگی آن‌ها به علل و عوامل مادی هست که این مسئله در مورد موجودات دیگر وجود ندارد.

صدور بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران توسط رهبر معظم انقلاب در چهل‌مین سالگرد پیروزی شکوهمند این انقلاب، در واقع چراغ راهی برای گام نهادن در چله‌ی دوم انقلاب و در جهت نیل به اهداف و آرمان‌های آن است. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی یک حرکت قرآنی است که محتوای آن مستند به قرآن است و این نشان‌دهنده عمق بینش مقام معظم رهبری نسبت به قرآن کریم است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، قرآن را پاسخگوی نیازهای اجتماعی، سیاسی و

اقتصادی می‌داند و براین باور است که امت اسلامی برای برون‌رفت از مشکلات خود باید به قرآن پناه ببرد. دیدگاهی که مقام معظم رهبری درباره پناه بردن به قرآن دارد این است که باید از قرآن استنطاق کنیم؛ یعنی دستورهای قرآن را بگیریم و در جامعه عملی کنیم؛ تمام اتفاق‌های جامعه باید بر مبنای قرآن باشد. یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح‌شده در این بیانیه، رسالت اجتماعی قرآن کریم است. مقام معظم رهبری راه حفظ موجودیت اسلام و حفظ عزت امت اسلامی در دنیای اسلام را از راه قرآن می‌دانند و می‌فرمایند: «قرآن به ما همه چیز را تعلیم داده است. قرآن را باید آموخت، قرآن را باید فهمید، قرآن را مثل نوشیدنی گوارا و مقوی باید نوشید و زندگی خود را با آن با طراوت و سرشار از نیرو و عزت کرد» (بیانات رهبری در دیدار قاریان شرکت‌کننده در بیست و یکمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۸۳/۰۶/۲۶). (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3249>)

با وجود آنکه سخن از رسالت اجتماعی قرآن سابقه‌ای دراز دامن دارد و پیشینه آن به زمان نزول قرآن بر می‌گردد و این مهم در طول اعصار و قرون گذشته مورد توجه دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان بوده است و تلاش گردید تا علوم و معارف گوناگونی که در این مصحف شریف از زبان وحی‌گونه حضرت علی علیه السلام جاری شده شناخته شود و مورد بحث و بررسی قرار گیرد، اما با وجود نگارش آثاری مانند «رابطه قرآن و نهج البلاغه» نوشته سید جواد مصطفوی، «قرآن در آینه نهج البلاغه» نگارش علامه محمد تقی مصباح یزدی، درباره رسالت اجتماعی قرآن در گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر نهج البلاغه و بیانات مقام معظم رهبری اثری مستقل تدوین نشده است. از این رو جستار حاضر برآن است که رسالت اجتماعی قرآن کریم این ثقل اکبر را از زبان ثقل اصغر و کلام گهربار مقام عظمای ولایت به روش تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از منابع مکتوب کتابخانه‌ای، معرفی نماید.

مفهوم شناسی رسالت قرآن

در جایگاه شناسی لغوی واژه «رسالت» توجّه به سه رکن اساسی، موقعیت این واژه را روشن تر می‌سازد: الف - مُرسل: پیامبر؛ ب - مرسل به = رساله و پیام؛ ج - مرسل الیه = مخاطبان

پیام. رسالت اسم مصدر (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۸۳/۱۱) از ریشه «رسل» و به معنای پیام، کتاب، پیغمبری، مأموریت و فرستادگی (دهخدا، ۱۳۵۷: ۱۰۵۸۴/۷) و حرکت آسوده (ابن فارس، مقایس اللغه، ذیل ماده «رسل») و جمع آن رسائل (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۱۰ق، ۳۴۱/۷) است.

در اصطلاح رسالت، مفهوم اسمی آن مراد است که گاه مقصود مفهوم اسم مصدری است، یعنی پیامبری مانند: نبوت و امامت، البته هریک از پیامبری امامت و نبوت گاهی به معنای یک مقام و منصب و درجه حاصله برای شخص در نظر گرفته می شود و گاه به معنای پیام رساندن و خبر دادن و پیشوایی کردن. گاه نیز مراد مفهوم اسم مفعولی آن به معنای «مایرسل» به: پیام فرستاده شده است. این واژه در قرآن فراوان به کار رفته است و مراد از رسالت در آن ها پیغام یا رساندن پیام الهی به مردم است: «الَّذِينَ يَبْلِغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (احزاب/۳۹)؛ «همان کسانی که پیام های خدا را ابلاغ می نمایند و از او می ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند».

به کسی که پیامی را برای دیگران می برد، نیز رسول می گویند: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ» (یونس/۴۷)؛ وهرامتی را پیامبری است». جمع رسول «رسل» است و در قرآن کریم به فراوانی آمده است: «وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ» (آل عمران/۱۷۹)؛ «ولی خدا از میان فرستادگانش هرکه را بخواهد بر می گزیند. پس به خدا و پیامبران او ایمان بیاورید».

به پیامبران الهی را از آن جهت رسول می گویند که پیام خداوند متعال را به مردم می رسانند.

مفهوم رسالت قرآن عبارت است از احساس تعهد و ابلاغ و اجرای حقایق عالی تر از وضع موجود، یا کوشش برای ادامه آن حقایق از يك منبع والاتر به انسان هایی که نیازمند آن حقایق می باشند.

هر وصف کمالی که خدای سبحان برای قرآن کریم یاد فرموده است، به منزله شرح رسالت آن است، زیرا توصیف رسول در حکم تبیین قلمرو رسالت و محدوده پیام رسانی آن

و کیفیت ابلاغ پیام و ثمره‌ی عمل به ندای اوست. برای مثال، اگر قرآن به صفت‌هایی از قبیل: کریم، مجید و هادی موصوف شده است، یعنی پیام کرامت و مجد و رهبری دارد. از این رهگذر می‌توان از توصیف قرآن به نور، چنین استفاده نمود که پیامش نور بخش و تدبیر در آن روشننگر و عمل به آن جامعه انسانی را نورانی می‌نماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا» (نساء/ ۱۷۴)؛ «ای مردم دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم.»

با توجه به توصیف قرآن به نور، رسالت والای این کتاب آسمانی، همان نورانی نمودن مردم است و این مطلب به روشنی در سوره‌ی ابراهیم آمده است: «الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم/ ۱)؛ «این کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی روشنائی به فرمان پروردگارشان درآوری به سوی راه خداوند توانا و ستوده.»

یعنی اگر ولایت مؤمنان به عهده‌ی خداست: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره/ ۲۵۷) و ثمره‌ی این ولایت اخراج آنان از هرگونه تیرگی و تاریکی است، خواه به صورت دفع نسبت به پاکان و معصومان، و خواه به صورت رفع نسبت به تبهکاران از اهل ایمان: «يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره/ ۲۵۷)، خدا ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، آن‌ها را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌برد.

رسالت قرآن پاسخ‌گویی به همه نیازهای مادی و معنوی بشر برای رساندن او به سعادت دنیا و آخرت است. قرآن کریم، هدایت همه جانبه آدمی در زمینه‌های مختلف و تأمین سعادت او در دنیا و آخرت است. رسالت قرآن هدایت بشر است و حاوی مطالب متنوعی است که به هدایت او مربوط می‌شود و به هر موضوع تا بدان اندازه پرداخته که اقتضای حکمت و نیاز واقعی انسان، در مسیر سعادت جاودانه او بوده است. هدف اصیل قرآن، نشان دادن سعادت آخرتی و راه‌های رسیدن به آن است که البته با زندگی فردی و اجتماعی انسان در این دنیا پیوند خورده است.

۱. رسالت اجتماعی قرآن از دیدگاه نهج البلاغه و مقام معظم رهبری

قرآن کریم، کتابی است جامع، کامل و دربردارنده تمامی مواردی است که سعادت دنیا و آخرت انسان را تأمین می‌کند. امور دنیوی و مناسبت‌های اجتماعی تأثیر شگرفی در روحيات و کمال انسان و تأمین سعادت واقعی وی دارند و به همین جهت قرآن هرگز نمی‌تواند از دخالت در این امور چشم‌پوشی کند و باید برای تمامی آن‌ها برنامه‌ای جامع ارائه دهد. قرآن با ارائه برنامه‌ای جامع و کامل در امور دنیوی و اخروی، سعادت انسان را در هر دو جهان تضمین می‌کند. قرآن برنامه زندگی فردی و اجتماعی انسان را به‌طور کامل بیان می‌کند و انسان با عمل به این برنامه می‌تواند سعادت دنیوی و اخروی خود را تضمین کند. نهج البلاغه نیز نازله روح مطهری است که وجودش با قرآن یکی است و چنان در قرآن کریم جذب گردیده که جسم و روحش از آن هست، آن را «أخ القرآن» نامیده‌اند؛ چراکه امیرالمؤمنین علیه السلام، امیر بیان و صاحب سخن است و دانش او از مخزن علم نبوت صادر شده است. زندگی علی علیه السلام با قرآن گره خورده است، به‌گونه‌ای که این گره هرگز گشوده نخواهد شد، زیرا زندگی علی علیه السلام از آغاز تا انجام در علم و عمل با قرآن عجین و هماهنگ بوده و روح و جان علی علیه السلام با آیات قرآن پیوند خورده است. علی علیه السلام عین قرآن است و چه زیباست یافتن قرآن در کلام امیرمؤمنان علیه السلام که بالاتر و برتر از آن نیست. آن حضرت خود قرآن را با قرآن تفسیر نموده است.

مسئله رسالت اجتماعی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با الهام از آیات کتاب وحی (قرآن) و احادیث نورانی حضرات معصومین علیهم السلام طرح و سامان یافته است. نهج البلاغه نیز مغز و بطن قرآن است که بعد از قرآن و کلام نبوی، سرچشمه صاف و گوارای معارف الهی و نخستین کتاب تفسیر، تبیین و تشریح قرآن کریم است که انسان را به کمال نهایی رهنمون می‌سازد؛ بنابراین در ادامه به شرح بُعد اجتماعی رسالت قرآن کریم پرداخته شده است و در شرح و بسط مفاهیم از کتاب شریف نهج البلاغه بهره برده شده است.

۱.۲. معاشرت

در سیره اهل بیت علیهم‌السلام و بیانات مقام معظم رهبری، معاشرت با دیگران راه و رسمی دارد و می‌بایست نکاتی رعایت شود تا کارگزاران در دل مردم راه یابند و آنان را دوست بدارند. علم زندگی از مهم‌ترین علمی است که بر همه لازم است تا آن را فراگیرند و به کار بینند، البته از هرکسی نمی‌توان این اصول و قواعد را آموخت، بلکه باید از کسی فراگرفت که انسان را بشناسد و عواطف و احساسات او را بداند و نیز شخصیت واقعی و نیازهای حقیقی او بهتر از خود او واقف باشد تا در عمل گرفتار ناهنجاری‌هایی چون تملق و چاپلوسی نشده و از نیرنگ و فریب به دورمانده، جوّ بدبینی و فرصت‌طلبی ایجاد نشود. این مهم تنها با حضور در مکتب قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام و استفاده از معارف تربیتی، بخصوص آداب معاشرت که آنان فرموده‌اند میسر است. آنچه در این بخش آمده، رسالت قرآن در بُعد معاشرت در بیانیه گام دوم انقلاب با تأکید بر نهج‌البلاغه است که به شرح آن خواهیم پرداخت.

۱.۲-۱. تبیین ارزش‌های اخلاق اجتماعی

رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب در حوزه‌های علم و معنویت، اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال، عزّت ملی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی فرمایشاتی دارند که هرکدام برخاسته از اصول ارزش‌شناختی است. ایشان در این بیانیه، معنویت و اخلاق را جهت‌دهنده همه حرکت‌های اجتماعی می‌دانند و می‌فرمایند که نبودن اخلاق حتی با برخورداری از نعمات مادی زندگی را به جهنم تبدیل می‌کند و هرقدر وجدان اخلاقی در جامعه رشد کند، برکات بیشتری را به همراه خواهد داشت؛ البته اخلاق و معنویت با دستور و فرمان ایجاد نمی‌شود؛ حکومت‌ها اول خود باید منش اخلاقی داشته باشند و زمینه آن را ایجاد کنند و با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق بستیزند و اجازه ندهند که جهنمی‌ها، مردم را فریب دهند؛ بنابراین کسی دنبال این نیست که به‌زور مردم را به بهشت ببرد، اما باید جلوی کسانی را که به‌زور قصد دارند مردم را جهنمی‌کنند، گرفت

(بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message->

(content?id=41673)

ارزش‌های اخلاقی را می‌توان مجموعه قواعدی دانست که رفتار انسان را در زندگی شخصی و همچنین زندگی اجتماعی هدایت می‌کنند. هر آنچه را که اعضای يك جامعه آن را گرامی می‌دارند و در آن وفاق نسبی وجود دارد را ارزش‌های اجتماعی گویند. اخلاق اجتماعی از مهم‌ترین موضوعاتی است که ارتباط آدمیان را با خود، با جامعه و تاریخ مطرح می‌سازد؛ زیرا جامعه می‌تواند یک تمدن را بسازد نه یک فرد و اجتماع انسانی پیوسته تاریخ را ساخته و به جلو برده است. از آنجایی که در میان ادیان الهی، اسلام یک دین اجتماعی است و در آن آرمان‌ها و ایده‌های جمع‌گرا فراوان دیده می‌شود، در جای جای قرآن و نهج البلاغه که از مهم‌ترین منابع این دین بوده؛ به این موضوع بسیار مهم پرداخته شده و گاه جامعه و اجتماع مورد عتاب و خطاب واقع شده است. سقوط یک جامعه در نگاه امام علی علیه السلام به خاطر سقوط هنجارهای اخلاقی و پیشرفت آن به خاطر همین هنجارهاست؛ چنان که نهج البلاغه، هنگامی که علت سقوط جامعه‌ی روزگار علی علیه السلام را تحلیل می‌نماید، به مؤلفه‌های اخلاقی اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«علل سقوط مردم، مردم! گویا به خیانت و کینه‌ورزی اتفاق دارید و در رفتار ریاکارانه، گیاهان روئیده از سرگین رامی‌مانید، در دوستی با آرزوها به وحدت رسیدید و در جمع‌آوری ثروت به دشمنی پرداختید شیطان شمارا در سرگردانی افکنده و غرور شمارا به هلاکت می‌کشاند برای خود و شما از خدا یاری می‌طلبم» (نهج البلاغه: خطبه / ۱۳۳).

در دیدگاه امام علی علیه السلام اموری ارزش‌های اجتماعی (مثبت) تلقی می‌شوند که منشأ آن‌ها دین، عقل یا فطرت باشد. به نظر امام علیه السلام، ارزش‌های اجتماعی زمانی مفیدند که همه جنبه‌های فردی و اجتماعی انسان را در پرتو دیدگاه متعالی توحیدی مورد توجه قرار دهند و در عین حال با نگاه آخرت‌گرایانه و ژرف، برای تأمین سعادت معنوی و اخروی انسان‌ها، به دنیا و زندگی اجتماعی و ضرورت‌های آن توجه کامل داشته باشند و هم‌زمان روح و بدن،

جسم و جان، ظاهر و باطن، دنیا و آخرت، ماده و معنا و همه لایه‌ها، مراحل، لوازم و زمینه‌های رشد و تعالی انسان را، برای رسیدن به کمال مطلوب، در نظر بگیرند.

اخلاق اساسی‌ترین و مهم‌ترین رسالت‌های قرآن است که در زندگی فردی و اجتماعی رخ می‌نماید و بی‌گمان به همه‌چیز زندگی رنگ می‌زند و جهت می‌دهد. امام علی علیه السلام تنها چیزی را که قائل است باید بر آن ایستاد و تعصب ورزید و از آن عدول نکرد، اخلاق می‌دانند:

«پس اگر چاره‌ای جز تعصب ورزیدن نباشد، باید تعصب ورزیدن شما برای خوی‌های بزرگوارانه‌ی باارزش و کارهای پسندیده و کردارهای نیکویی باشد که افزونی بر یکدیگر جستند در آن‌ها، بزرگواران و دلاوران از خاندان‌های عرب و مهتران قبیله‌ها؛ از آراسته بودن به اخلاق پسندیده و نیک و خردهای گران‌سنگ و کارهای بس بزرگ و رفتارهای ستوده‌ی ماندگار. پس تعصب بورزید برای خوی‌های پسندیده، مانند پاسداشت حق همسایگی و به سر رسانیدن پیمان و فرمان‌برداری از نیکی گسترده و نافرمانی از خودبزرگ‌بینی و دست یافتن به برتری و بازایستادن از ستم و بزرگ شمردن گناه خونریزی و خونخواهی و دادن دادِ مردمان و فروخوردن خشم و پرهیز نمودن از تبه‌کاری در زمین» (نهج‌البلاغه: خطبه / ۱۹۲).

چنین اخلاقی برترین تکیه‌گاه و سرمایه‌ی سالم زیستن و رستگار شدن است. امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه به برخی ارزش‌های اجتماعی منفی حاکم و رایج در جامعه مانند رباخواری، فحشا، خشونت‌های اخلاقی، عصبیت کورکورانه، ظلم و بی‌عدالتی، دوری از کرامت‌های انسانی، تبعیض نژادی بین قبائل، تبعیض بین فرزند دختر و پسر، میگساری و قماربازی، تفرقه و عداوت، اشاره می‌کند که دغدغه تغییر آن‌ها را داشت و برای تغییر آن‌ها در فرهنگ جامعه کوشش و صف‌ناپذیری کرد. جامعه‌ای که ارزش‌ها در آن واژگونه شده باشد، ضد ارزش‌ها در آن حاکم می‌شوند. جای خوبی، بدی، زشتی و زیبایی، رحمت و

شقاوت، مروت و نامردمی تغییر می‌یابد. امیر مؤمنان علیه السلام در توصیف جامعه زمان خود فرمود: «مردم! ما در روزگاری کینه‌توز و زمانی پرکفران واقع شده‌ایم؛ زمان‌هایی که نیکوکار در آن بدکردار به شمار آید و ستمگر در آن سرکشی افزایش» (نهج البلاغه: خطبه ۳۲).

امام علیه السلام در این بیان، به تغییر دو ارزش اجتماعی اشاره می‌کند: ۱. تغییر ارزش اجتماعی احسان و نیکوکاری به بدکاری؛ ۲. تغییر ارزش اجتماعی عدالت به ظلم و تعدی. این دو ارزش اجتماعی از جمله ارزش‌هایی‌اند که قرآن کریم نیز بر تحقق آن‌ها در جامعه اصرار می‌ورزد و همگان را به برپاداشتن آن‌ها در جامعه فرمان می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/۹۰). امام علی علیه السلام درباره ارزش‌های اجتماعی، دیدگاه‌هایی دارد که برخی به شرح ذیل است:

یک. جایز بودن تنوع ارزش‌های اجتماعی مثبت

از نظر امام علی علیه السلام، تنوع ارزش‌های اجتماعی تا زمانی که در تقابل با اصول ارزش‌های اجتماعی مثبت نباشد، کاملاً جایز است و هیچ‌کس نباید با نادانی و تعصب با آن‌ها برخورد کند: «(از رنگ کردن موها) از امام علیه السلام پرسیدند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «موها را رنگ کنید و خود را شبیه یهود نسازید؛ یعنی چه؟ فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این سخن را در روزگاری فرمود که پیروان اسلام اندک بودند، اما امروز که اسلام گسترش یافته و نظام اسلامی استوار شده است، هر کس آنچه را دوست دارد، انجام دهد» (نهج البلاغه: حکمت ۱۷).

دو. پرهیز از نوآوری‌های غیر عقلایی با تأکید بر حفظ ارزش‌های اجتماعی

هرگونه نوآوری در جامعه باید عقلایی و متکی بر اسلام باشد و از هرگونه نوآوری غیر عقلایی باید پرهیز کرد. در اندیشه جامعه‌شناسی امام علی علیه السلام نیز تأکید بر این است که نوآوری نباید به حال ارزش‌های اجتماعی مثبت جامعه خدشه وارد سازد: «آدابی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند، پدید نیاور» (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

دیدگاه جامعه‌شناختی حضرت در مورد ارزش‌های صالحه موجود در سنت‌های رایج و دایر در جامعه، حفظ و تقویت آن‌هاست و نباید چنین ارزش‌هایی با عنوان نوآوری تغییر

یابد: «(ای مالک) آن آداب پسندیده‌ای که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند را بر هم مزن» (نهج البلاغه: خطبه/۵۳).

مقام معظم رهبری هم اسلامی بودن، مردمی بودن و برخورداری از ابتکار و نوآوری اسلامی، سه نقطه اصلی حرکت مبارک امام خمینی رحمته الله علیه دانسته‌اند که نباید هیچ‌گاه فراموش شود (بیانات رهبری در مراسم سالگرد ارتحال بنیان‌گذار انقلاب رحمته الله علیه، ۱۴/۳/۱۳۸۶).
(<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=1517>) غربی‌ها در تبلیغات خود، این‌گونه القاء کرده‌اند که توسعه و پیشرفت مساوی با غربی شدن است و متأسفانه برخی از کارگزاران و نخبگان کشور نیز مدل پیشرفت را صرفاً یک مدل غربی می‌دانند که این مسئله‌ای غلط و خطرناک است. معظم له شکستن این طلسم را یک وظیفه مهم برشمردند و تصریح نموده‌اند: «به‌طور قاطع می‌گویم الگوی غرب برای توسعه یک الگوی ناموفق است، زیرا باوجود دستیابی کشورهای غربی به ثروت و قدرت، ارزش‌های انسانی و معنویت در این جوامع از بین رفته‌اند» (بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۵/۲/۱۳۸۶). (<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=1497>).

همچنین مقام معظم رهبری یکی از آفات اجتماعات و مجموعه‌ها و ملت‌ها و گروه‌ها، متوقف ماندن در افتخارات گذشته می‌دانند. معظم له، صرف بالیدن افتخارات گذشته و حرکت نکردن متناسب با آن را موجب خسران و عقب‌افتادگی جامعه اسلامی می‌دانند و می‌فرمایند:

«یک کشور اگر بخواهد عزت خود را، هویت خود را، منافع خود را، امنیت خود را به دست بیاورد، احتیاج دارد به ابتکار، به کار. با نشستن، با خوابیدن، با غفلت از اطراف، نمی‌شود به اهداف عالی دست پیدا کرد. اینکه می‌بینید جامعه‌ی اسلامی و کشورهای اسلامی چند صدسال - دویست سال، سیصد سال - دچار عقب‌ماندگی شدند که امروز چوب آن عقب‌ماندگی را همه‌ی ما داریم می‌خوریم، این به خاطر غفلت‌ها بود (بیانات رهبری در دیدار فرماندهان

نیروی هوایی ارتش ۱۹/۱۱/۱۳۹۰). (<https://farsi.khamenei.ir/speech->
(content?id=18989

۱.۲-۲. انتقال ارزش‌های اجتماعی مثبت

امام علی علیه السلام درباره آن دسته از ارزش‌های اجتماعی مثبت و دایر بین نیاکان و بزرگان، بر آموزش و انتقال به نسل‌های بعد تأکید می‌کند و می‌فرماید: «باید خردسالان شما از بزرگان شما پیروی کنند. (پیرو ارزش‌های آنان باشند)» (نهج البلاغه: خطبه ۱۶۵).

ظهور نسل جدید انقلاب اسلامی که عمده‌ی جوانان نظام مردم‌سالاری دینی به شمار می‌آیند، ایران اسلامی را به رتبه جوان‌ترین جمعیت کشورهای دنیا ارتقاء داده است. بدیهی است که با پیشگیری از گسست نسلی و بهره‌گیری معنوی و اخلاقی از این ذخایر گران‌بهای الهی می‌توان به سوی افق روشن نظام اسلامی به پیش رفت و دستیابی به هدف‌های والا و آرمانی را برای حاکمیت دینی ممکن ساخت. تحقق کامل و جامع ایده‌های چشم‌انداز بیست‌ساله رهین پرورش و تربیت این نسل است تا بتوان توسعه پایدار و اقتدار بین‌المللی و سیاسی آمیخته با ارزش‌های دینی را به منصفه‌ی ظهور رساند؛ بنابراین کارگزاران فرهنگی نظام و به خصوص روحانیت رسالت مهمی در انتقال ارزش‌های جامع و انسان‌ساز دینی به نسل جدید به دوش دارند. درک نیازهای روحی و فکری جوانان، به‌کارگیری شیوه‌های نوین تبلیغی، پرهیز از سطحی‌نگری به مبانی فرهنگی و دینی انقلاب، خرافه زدایی و پیرایش متون آموزشی و از همه مهم‌تر عمل‌گرایی و ساده‌زیستی در رفتار، کارآمدترین راه‌کارهایی است که جوانان را به دین جذب می‌کند. فطرت پاک و جنبه ملکوتی جوانان آنان را تشنه معارف دینی و آراستگی به ارزش‌ها ساخته است و با یک برنامه منسجم و جامع همراه با صداقت در رفتار و گفتار می‌توان این انرژی عظیم و آینده‌ساز را به میدان آورد و انقلاب اسلامی ایران را بیمه کرد. رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی بر این عقیده استوار بود که انقلاب اسلامی بزرگ ماقبل از آنکه انقلاب سیاسی و اجتماعی باشد یک انقلاب

معنوی و روحانی است (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲/۱۴۹)؛ بنابراین حفظ و استمرار این نهضت به تقویت معنویت، اخلاق و دین و انتقال ارزش‌های اجتماعی مثبت در نسل‌های بعد بستگی دارد.

۱.۲-۳. پیشگیری از پدید آمدن ارزش‌های اجتماعی منفی

گاهی برخی رفتارهای اجتماعی مردم، ممکن است زمینه بروز و رشد ارزش‌های اجتماعی (منفی) در آینده را فراهم کند؛ حتی اگر خود رفتار فی‌نفسه منفی ارزیابی نشود. امام علی علیه السلام در چنین مواردی با آموزش مردم، ضمن آگاه ساختن آنان، نسبت به آن زمینه‌ها هشدار می‌داد و این شیوه‌ای علمی و عملی در هدایت و کنترل ارزش‌های اجتماعی است. نمونه آن، بیان امام علی علیه السلام درباره رفتار مردم انبار است:

در سر راه صفین، دهقانان شهر انبار تا امام را دیدند، پیاده شدند و پیشاپیش حضرت می‌دویدند. پرسید: چرا چنین می‌کنید؟ گفتند: عادت است که پادشاهان خود را احترام می‌کردیم (ارزش اجتماعی)! فرمود: به خدا سوگند که امیران شما از این کار سودی نبردند و شما در دنیا با آن خود را به زحمت می‌افکنید و در آخرت دچار رنج و زحمت می‌گردید (نهج البلاغه: حکمت/۳۷).

مقام معظم رهبری تخلق به اخلاق الهی را هدف اصلی و کارهای دیگر را مقدمه برای آن می‌دانند و چنین می‌فرمایند: «فایده اساسی و هدف اصلی این است که انسان‌ها متخلق به اخلاق الله بشوند. تخلق به اخلاق الله مقدمه برای کار دیگر نیست، کارهای دیگر، مقدمه برای تخلق به اخلاق الله است. عدل مقدمه تخلق به اخلاق الله و نورانی شدن انسان‌هاست. حکومت اسلامی و حاکمیت پیامبران، برای همین است: "إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ" (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق: ۶۷/۳۷۲).» (بیانات رهبری در دیدار با مسئولان وزارت خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2471>)

برای رسیدن به جامعه مطلوب و آرمانی لازم است موانع و آسیب‌ها را شناخت و برای

رفع آن‌ها راهکارهایی ارائه نمود. بشر امروزه بحران‌هایی را در جامعه نظاره‌گر است و گاه در تحلیل اشتباه خود عوامل آن را در مسائلی جستجو می‌کند، غافل از اینکه ریشه نابسامانی‌ها را باید جای دیگری جست و برای آن چاره‌جویی کرد. رهبر فرزانه انقلاب علت اصلی مشکلات را غفلت از امور معنوی و ارزش‌های اخلاقی می‌دانند و می‌فرمایند:

«امروز علت اصلی بسیاری از مشکلات بشری در نظام‌های مختلف، ناشی از غفلت از معنویت و گرایش به سوی مادیگری و مادی پرستی است. بحران اخلاقی معاصر نابودی بشریت را به همراه خواهد داشت و باید اندیشمندان جهان و دلسوزان بشریت برای احیای ارزش‌های اخلاقی قیام جدی نمایند» (بانکی پور فرد و احمد قماشچی، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

گاهی افراد تمام سعی و تلاش خود را صرف تحصیل دانش نموده و به اخلاق بی‌توجه یا کم‌توجه هستند، غافل از اینکه علم بدون اخلاق آفت جامعه است و زمانی دانش می‌تواند مفید باشد که در حوزه‌های گوناگون اعم از فردی و اجتماعی اخلاق حاکم باشد». رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه می‌فرمایند:

«اگر انسان‌ها از نظر سواد و دانش و سیاست بحرالعلوم هم باشند؛ ولی اخلاق نداشته باشند کوچک‌ترین نفعی برای جامعه نخواهند داشت. تواضع، اخلاص، مهربانی در رابطه با بندگان خدا، صلابت در مقابل دشمنان، فداکاری و اصالت ندادن به مال و جاه و مقام و از جان و فرزندان و آسایش و سلامتی خود، خیلی راحت برای رضا خدا گذشتن، از اساسی‌ترین جوهرها و بالاترین ارزشی است که برای آن باید خود را به زحمت بیندازیم و تلاش کنیم و در آموزش‌های خود و در عمل آن را به‌کارگیریم» (همان).

معظم له در سخنی دیگر به این حقیقت چنین اشاره می‌کنند: «اخلاق اسلامی در همه زمینه‌ها باید رعایت شود. کوهی از معلومات بدون اخلاق درست، هیچ ارزشی نخواهد

داشت. یک انسان متفکر و دانشمند اما خودخواه و بدبین عملاً وجودش فایده‌ای برای جامعه ندارد» (همان). ایشان تحصیل کمالات معنوی را بیشتر از تحصیل علم برای نسل جوان حائز اهمیت می‌دانند و می‌فرمایند: «ما ارزش‌های اخلاقی و معنوی را برای جوان ضرورتی می‌دانیم که اهمیت آن بیشتر از علم است و معتقدیم انقلاب ما به خاطر همین ارزش‌ها بوده است» (همان). مقام معظم رهبری نهادینه کردن اخلاق را در قشر تحصیل‌کرده مهم می‌شمارند و می‌فرمایند: «علم باید با عمل توأم باشد و ما باید در این مسیر قدم برداریم و استعدادها را شکوفا سازیم تا بدین ترتیب کبر و غرور را در قشر تحصیل‌کرده از بین ببریم و بسیاری از ریشه‌های بد فکری و بداخلاقی را در جامعه ریشه‌کن سازیم (سوره آل‌عمران / ۱۶۴)» (بانکی پور فرد و احمد قماشچی، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰: ۱۴۰-۱۳۲).

۱.۲-۴. علل سقوط جامعه انسانی

بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، از منظر مقام معظم رهبری دنیاخواهی و راحت‌طلبی خواص و پرهیز از هزینه کردن خویش برای تبیین حق در کنار ضعف شناخت عوام و کمزنگ شدن ارزش‌ها در جامعه از مهم‌ترین عوامل انحطاط و سقوط تدریجی جامعه اسلامی است. مقام معظم رهبری معتقدند که وقتی جامعه اسلامی از معنویت و ارتباط با خدا تهی شد و به سوی مادیات و شهوات گام برداشت به جامعه‌ای تبدیل می‌شود که ظاهرش اسلامی است؛ اما باطنش پوک شده است نمازها برقرار است، نماز جماعت برقرار است، مردم هم اسمشان مسلمان است، اما جامعه‌ای است که در آن، ارزش‌ها تحت الشعاع دنیاداری قرار گرفته است. گام نهایی انحطاط جامعه اسلامی تغییر ارزش‌های حاکم بر جامعه، به شمار می‌رود؛ چراکه وقتی که جامعه، جامعه دور از ارزش‌هاست؛ وقتی که آن خطوط اصلی در جامعه ضعیف شد، به نقطه‌ای می‌رسد که فقط یک پوسته ظاهری باقی می‌ماند و در این شرایط حتی اگر نام جامعه، جامعه‌ای اسلامی باشد، روح اسلامی از جامعه

رخت بر خواهد بست.

شعارها را کمرنگ کردن، اصول اسلام و انقلاب را مورد بی‌اعتنایی قرار دادن و همه چیز را با محاسبات مادی مطرح کردن و فهمیدن، جامعه را به آنجا خواهد برد که، در چنین حالتی به چنان وضعی برسد که حاکمانی که هیچ اعتقادی به اسلام ندارند و حتی در ظاهر نیز پایبند احکام اسلامی نیستند امام و پیشوای مردم خواهند شد و عوام مردم نیز یا نسبت به این مسئله بی‌اعتنا خواهند بود و یا بر اساس اعتقادات نادرست، پیروی از آنان را بر خود لازم خواهند شمرد.

از نظر مقام معظم رهبری علیه السلام انحطاط در جوامع اسلامی به خاطر هوس‌های پراکنده، شک و تردید در افراد، نداشتن آرمان صحیح، تقلید از غرب، علم بدون تزکیه، افکار متحجران غرب‌زده و فقدان آرمان صحیح در مسلمانان است. مقام معظم رهبری نیز راهکارهایی مانند بهره‌گیری از علم، تقویت رابطه با خدا، جلوگیری از غرور، توجه به شعارهای انقلاب، پایبندی به اصول، دفاع از مظلوم را نام برده‌اند. (بیانیه گام دوم انقلاب <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

مقام معظم رهبری تقلید کورکورانه شیفتگان غرب را مهم‌ترین سبب انحطاط جوامع دانسته‌اند. تقلیدی که بخواهند عین الگوی غرب را در کشور پیاده کنند. معظم له با بهره بردن از تجربیات کشورهای مختلف مخالف نیستند بلکه تأکید ایشان پیاده نکردن ساختار غرب در کشور است، چراکه هر کشوری با توجه به اعتقادات و روحیات مردم آن کشور ساختار خود را می‌بندد و در واقع این الگوبرداری صحیح نیست. اگر عوامل ضعف در جامعه اسلامی از بین برود و جامعه اسلامی به معنای واقعی در کشور محقق شود یا حداقل به آن نزدیک شود ثبات حکومت اسلامی تقویت می‌شود و جامعه جهانی اسلامی به مطلوب خود یعنی حکومت عدل جهانی نزدیک می‌شود؛ زیرا جمهوری اسلامی مقدمه همان حکومت جهانی است. مجموعه این عوامل، موجبات گمراهی عوام جامعه به تبع گمراهی خواص و انحطاط کامل جامعه اسلامی را فراهم خواهند آورد. شکل، سیر حرکت عوام در

پیروی از خواص و نقش گمراهی آنان در انحطاط جامعه اسلامی را نشان می‌دهد. کامل بودن دین اسلام و تأمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی و پیشرفت مادی و معنوی انسان‌ها توسط اسلام، دوری از اسلام واقعی و قرآن البته به خاطر تبلیغات استعمارگرانه و کوتاهی خود مسلمین می‌باشد که با القا جدایی دین از سیاست و عدم اجرایی شدن قوانین اسلام در جهت زوال و سقوط مسلمین قدم برداشته‌اند. از این رو تنها راه خروج از انحطاط، روی آوردن به اسلام واقعی و اجرای قوانین اسلام می‌باشد. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

از آنجایی که محتوای باطنی و روانی ملت‌ها (به‌طور عموم) می‌تواند پایه‌ها و زیربنای اساسی تغییرات و حرکات در طول تاریخ بشر باشد، نهج‌البلاغه زشت‌کاری‌ها را از جمله عوامل منع برکات الهی و در نهایت، سقوط و هلاکت امت‌ها برشمرده، به‌عنوان آسیبی جدی برای جامعه به آن اشاره کرده است:

«از طنین فاجعه‌هایی که بر امت‌های پیشین، به کیفر بدکاری‌ها و زشت‌کردارهای آن‌ها فرود آمد، دوری‌کنید و در احوال نیک و بد، چگونگی آن‌ها را به یادآورید و از این‌که به چنان سرنوشتی دچار آیید، بهراسید! و در ادامه می‌فرماید: «بپرهیزید از هر جریانی که ستون فقرات امت‌های پیشین را در هم شکست و نیروهایشان را به تحلیل برد» (نهج‌البلاغه: خطبه / ۲۳۳).

یعنی از کینه‌ورزی دل‌ها به هم سینه‌تنگی و تنگ‌نظری متقابل، پشت کردن به یکدیگر، روی گرداندن از هم و ناهمکاری دست‌ها با یکدیگر.

بنابراین با توجه به مجموع مطالب بیان‌شده می‌توان گفت، ارزش‌های اجتماعی، عقاید مشترک اجتماعی و مفاهیمی انتزاعی درباره خوب، درست و مطلوب است. منشأ مطلوبیت ارزش‌ها ایفا نمودن نقش آن‌ها نسبت به تأمین سعادت و کمال انسان که همان قرب الهی است. مراعات کردن ارزش‌های اخلاقی جز عمل صالح انسان‌ها است و از جمله وسایل کامیابی انسان‌ها شمرده شده، پیام کلام الهی برای بشریت قبل از همه آموزش اخلاق

انسانی و تربیت سالم بشری است، زیرا تمام ادیان آسمانی و مکاتب فکری برای سعادت بشر کار می‌کنند و اخلاق نیز برای کمال انسانیت بشر است. در سایه الطاف قرآن و عمل به دستورات آن می‌توان جامعه‌ای ایدئال و مدینه فاضله ساخت، چراکه به خوبی مشاهده می‌شود که دوری از قرآن و رهنمودهای حیات‌بخش آنچه مضرات جبران‌ناپذیری را در جوامع به وجود آورده است و جبران آن‌ها راه طولانی و سختی را می‌طلبد.

۱.۲-۵. هنجارها و آداب معاشرت

اسلام دین صفا و صمیمیت، برادری، محبت و سازندگی است. آموزه‌های صلح، سلامت فردی و اجتماعی، امنیت، نشاط و عدالت را به نمایش می‌گذارد و آداب اجتماعی‌اش کرامت انسان‌ها و محبت و اخلاص را. اخلاق از دیدگاه اسلام، نه تنها در کنار اعتقادات و احکام فقهی به عنوان یکی از ارکان اساسی معارف دینی مطرح است؛ بلکه بیانگر راه زندگی درست و خداپسندانه و روش نیل به کمال نهایی و ارتباط با خدای متعال است؛ که عقل، بدون کمک راهبران آسمانی، برای سعادت در زندگی انسان کافی نیست.

امیرمؤمنان علی علیه السلام به تبع قرآن حکیم و با استفاده از همین آموزه‌های رهایی بخش و سازنده الهی آداب معاشرت با مردم را در رفتار و کلمات ارزشمند خود بیان نموده است. گرچه نمی‌توان همه اصول و روش‌های معاشرت از نظر آن حضرت را در این نوشتار بیان کرد، اما محوری‌ترین روش‌ها و آداب معاشرت با مردم در قرآن از نظر حضرت علی علیه السلام عبارتند از:

یک. رابطه دوستانه و صمیمی

یکی از رسالت‌های قرآن در بُعد معاشرت، توصیه به رابطه دوستانه و صمیمی است. رابطه‌هایی که بر پایه دوستی است، استوارتر و عمیق‌تر است. اگر عقل و اندیشه در زندگی، نقش چراغ راهنما دارد که روشنی می‌بخشد و راه را نشان می‌دهد، عشق و محبت قلبی نیز نقش موتور محرک را دارد که پیش‌برنده است و زبان دل، قوی‌تر از زبان عقل است (محدثی، اخلاق معاشرت، ۱۳۷۹: ۲۳۹). یکی از مسائل مهم در زندگی برقراری پیوند دوستی و صمیمیت با دیگران بوده و در اسلام نیز روابط اجتماعی بر پایه دوستی بنا شده است؛ از

آموزه‌های دینی بر می‌آید که دوستی و مهرورزی با مردم، دام شکار دل‌هاست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «با مردم محبت و مهرورزی کن تا دوستت بدارند» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۶۴۲).

قرآن مجید یکی از رموز موفقیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را در جلب نظر دیگران، محبت و نرم‌خویی آن حضرت می‌داند و می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتِنُوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران/ ۱۵۹)؛ پس به برکت رحمت الهی با آنان نرم‌خو و مهربان شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.

کسی که نهال دوستی بنشانند، از میوه آن که محبوبیت است، بهره می‌برد. اسلام، آیین نامه تکامل مادی و معنوی انسان است. بنیادی‌ترین عنصر این آیین نامه، محبت است. نقش محبت در تحقق حکومت اسلامی و برنامه‌هایی که دین الهی برای پیشرفت جامعه انسانی رقم زده است. از نگاه علی علیه السلام، ستون‌های اصلی اسلام و اصول برنامه‌های تکامل آفرین آن، بر پایه محبت خداوند، استوار است. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «اسلام، دین خداوند است که آن را برای خود برگزید و به دیده عنایت خویش، آن را پرورید و بهترین آفریدگان خود را ویژه آن ساخت و ستون‌های آن را بر دوستی خود، استوار داشت (نهج‌البلاغه: خطبه / ۱۹۸).

روشن است که محبت قلبی به تنهایی کافی نیست، آن‌چه در ارتباطات انسانی مؤثر است، ابراز علاقه و اظهار محبت است. از این رو امام علی علیه السلام سفارش نموده که دوستان خود را زیاد یاد کنید که آنان در دنیا یار و یاور شما و در آخرت شفاعت خواه شما هستند (حر عاملی، ۱۴۰۳ق: ۴۵/۱۲). امام علیه السلام در فراز دیگری خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «قلب خویش را از مهر مردم و دوستی و لطف آنان سرشار کن. مبادا هرگز که درنده خون آشام باشی که خوردن مردم را غنیمت بشماری، چرا که مردم دو گروه اند: یا برادران دینی تو بوده یا در آفرینش همانند تو هستند» (نهج‌البلاغه: نامه / ۵۳).

از این دو روایت و دیگر روایات از حضرت علی علیه السلام و نیز سیره عملی آن حضرت

استفاده می‌شود که اصل نخست در معاشرت با مردم دوستی و اظهار علاقه به دیگران است. امامان معصوم علیهم السلام برای استحکام بخشیدن به روابط اجتماعی و مردم دوستی دستور داده‌اند نسبت به دیگران اظهار محبت کرده و از علاقه باطنی به آنان پرده برداریم.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «آنگاه که به یکی از برادران دینی علاقمند شدی، علاقه و دوستی ات را به او بیان کن» (کلینی، بی‌تا: ۶۴۴ / ۲). نقش محبت و علاقه انسان‌ها به همدیگر چیزی نیست که قابل انکار باشد، تنها راه اصلاح جامعه و سعادت بشر، ایجاد محبت و علاقه شدید بین انسانهاست در حدی که باعث شود کسی به دیگری ستم روا ندارد.

با توجه به رسالت قرآن در خصوص آداب معاشرت، می‌توان سرآغاز عقل و خردمندی بعد از ایمان به خدا اظهار محبت به مردم و دوستی با آنان است. یکی از نتایج طبیعی مردم دوستی این است که دیگران نیز انسان را دوست می‌دارند و موجب می‌شود که انسان از فواید و آثار ارتباط با دیگران در زندگی دنیوی و اخرویش بهره مند گردد.

دو. خوشرفتاری و حُسن خلق

یکی دیگر از رسالت‌های قرآن کریم در معاشرت، خوشرفتاری و حُسن خلق است. خوش اخلاقی و برخورد شایسته یکی از اصول معاشرت با دیگران است که معصومان علیهم السلام و از جمله مولای متقیان علی علیه السلام از آن به حُسن خُلق تعبیر کرده‌اند و در برخورد با دیگران رعایت آن را سفارش نموده‌اند. در روایتی از آن حضرت آمده است: «هیچ آسایش و لذتی گواراتر از حُسن خلق نیست» (آمدی، ۱۳۶۶: ۵۳۷۹).

از منظر آن حضرت، خوش رفتاری و حُسن معاشرت با دیگران، بهترین نعمت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱ / ۳۴۵)، راه سالم ماندن در دنیا (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۷۷ / ۲۰۹) نشانه فروتنی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۹ / ۴۰۴)، وسیله عزت و سرافرازی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۷ / ۲۶۸) و راه نفوذ در دل‌ها است (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۵).

حُسن خلق یا خوش اخلاقی یکی از اصول مهم اخلاقی است. خوش اخلاقی در

مسائل تربیتی چنان مؤثر و سازنده و دارای نقش استثنایی است که پیوسته در متون دینی قرآن و روایات مورد تأکید قرار گرفته است.

قرآن کریم شخصیت پیامبر خدا ﷺ را به دلیل اخلاق نیکویش می‌ستاید و می‌فرماید: «انک لعلی خلق عظیم؛ تو، ای پیامبر، اخلاقی بس نیکو داری» (قلم/۴). حسن خلق مؤمن نشانگر عمق ایمان اوست. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «تقوا و حسن خلق سبب بهشت رفتن بیشتر افراد امت من خواهد بود» (نهج البلاغه: خطبه/۱۷۳).

حُسن خلق و گشاده رویی از بارزترین صفاتی است که در معاشرت‌های اجتماعی باعث نفوذ محبت شده و در تأثیر سخن اثری شگفت‌انگیز دارد. به همین جهت خدای مهربان، پیامبران و سفیران خود را انسان‌هایی با عاطفه و نرم‌خو قرار داد تا بهتر بتوانند در مردم اثر گذارند و آنان را به سوی خود جذب نمایند. این مردان بزرگ برای تحقق بخشیدن به اهداف الهی خود، با برخورداری از حسن خلق و شرح صدر، چنان با ملایمت و گشاده رویی با مردم رو به رو می‌شدند که نه تنها هر انسان حقیقت‌جویی را به آسانی شیفته خود می‌ساختند و او را از زلال هدایت سیراب می‌کردند، بلکه گاهی دشمنان را نیز شرمنده و منقلب می‌کردند. مصداق کامل این فضیلت، وجود مقدس رسول گرامی اسلام ﷺ است. قرآن کریم، این مزیت گرانبهای اخلاقی را عنایتی بزرگ از سوی ذات مقدس خداوند دانسته، می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران/۵۳)؛ «در پرتو رحمت و لطف خدا با آنان مهربان و نرم‌خو شده‌ای و اگر خشن و سنگدل بودی، از گردت پراکنده می‌شدند».

نکته مهم دیگری که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم مطرح کرده‌اند، اهمیت و ضرورت عنصر معنویت و اخلاق است که در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی تاثیرگذار است. ایشان ضمن بیان این مطلب که دو ویژگی اخلاقی توأمان و در کنار یکدیگر می‌توانند در همه حیطه‌های زندگی فردی و اجتماعی تاثیر گذار باشد، فرموده‌اند: «معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛

بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبود آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). ارزشی که اسلام برای انسان خوشرفتار قائل است، تنها به مؤمنان محدود نمی‌شود، بلکه غیر آنان نیز اگر این فضیلت را دارا باشند، از مزایای ارزشی آن بهره‌مند می‌شوند. بنابراین باید با همه مردم رفتار نیکو داشت و خیرخواه آنان بود و اتفاقاً از همین راه است که می‌توان گمراهان را هدایت کرد.

سه. ادب و رعایت احترام به دیگران

احترام به شئون مردم و حفظ حریم و شخصیت دیگران نیز از دیگر رسالت‌های قرآن در بعد معاشرت است. یکی از اصول و مهارت‌هایی که در برقراری ارتباط با دیگران، نقش مؤثری دارد، طرف مقابل، در هر موقعیتی، فردی ارزش‌مند تصور شود. در این صورت می‌توان با هر رفتار ناپسندی مخالفت کرد، ولی در همان حال، این احساس وجود دارد که میان اشخاص و رفتار و عمل‌کرد آنها تفاوت گذاشته می‌شود؛ چنان‌که قرآن مجید از زبان حضرت لوط علیه السلام خطاب به قومش می‌فرماید: «قال انی لعملمکم من القالین (شعراء / ۱۶۸)؛ گفت: من دشمن کردار شمایم». امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «ان الله یحب العبد و ینغض عمله (نهج البلاغه: خطبه / ۱۵۴)؛ خداوند چه بسا کسی را دوست می‌دارد، ولی عملش را مبغوض می‌شمارد».

خداوند متعال، مردمی را که با بی‌ادبی، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را با داد و فریاد و با نام صدا می‌زدند این‌گونه خطاب می‌کند: «ای مؤمنان! صدایتان را بالاتر از صدای پیامبر مبرید» (حجرات / ۲). خداوند در این آیه، آنان را مؤمن می‌شمارد، ولی از عملشان انتقاد می‌کند و همین امر سبب تغییر رفتارشان شد.

امام علی علیه السلام جایگاه «ادب» را بالاتر از جایگاه «عقل» دانسته است: «هر چیزی محتاج عقل و عقل محتاج ادب است» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۶۹/۱). در جای دیگر می‌فرمایند: «ادب بهترین خصلت است» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۶۶/۱).

بنابراین احترام به شئون مردم و حفظ حریم و شخصیت دیگران از اساسی‌ترین اصول معاشرتی اسلام است که همواره مورد تأکید کتاب مقدس قرآن و سیره اهل بیت علیهم‌السلام بوده است.

چهار. صدق و راستی

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های قرآن کریم در بُعد معاشرت، صدق و راستگویی است. صداقت و راست‌گویی از بزرگ‌ترین فضایل اخلاقی است که در تعالیم و آموزه‌های دینی جایگاه ویژه دارد و در قرآن و روایات فراوان به آن سفارش شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه/۱۱۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راست‌گویان باشید».

این فضیلت اخلاقی بارزترین مشخصه‌ی پیامبران الهی در دعوت مردم به سوی خدا است؛ فطرت پاک انسان ایجاب می‌کند که انسان سالم و متعادل، دل و زبانش یکسو و هماهنگ باشد، ظاهر و باطنش یکی باشد و آنچه را باور دارد بر زبان جاری کند. اسلام دینی فطری است و راستی نیز خواست فطرت است، پس این دو پیوندی ناگسستنی دارند و در روایات با تعبیر گوناگونی بر راست‌گویی مسلمانان تأکید شده و آن را از اصول ایمان و دین‌داری به حساب آورده‌اند: «الصِّدْقُ رَأْسُ الدِّينِ» (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۱۸)؛ نسبت راستی با دین، نسبت سر با بدن است. «الصِّدْقُ أَقْوَى دَعَائِمِ الْإِيمَانِ»؛ (همان) «راستی محکم‌ترین پایه‌های ایمان است». «بِالصِّدْقِ تَكُونُ النَّجَاةُ»؛ (همان)؛ «رستگاری دنیا و آخرت در راست‌گویی است».

صداقت و راستی محکم‌ترین پایه ایمان است. از منظر امام علی علیه‌السلام، راست‌ترین سخن آن است که زبان حال به آن گویا باشد (همان). یعنی باید در منش، رفتار، نحوه برخورد و معاشرت صداقت خود را نشان دهد. روابط انسان با دیگران اگر مبتنی بر صداقت و راستی نباشد، قهراً رابطهٔ ثمربخش و مفید و پایدار نخواهد بود. صداقت و راستی باید در تمام مراحل وجودی و زندگی انسان تحقق پیدا کند؛ یعنی از لحاظ افکار و عقاید، از لحاظ

خوی‌ها و صفات نفسانی، از جهت رفتار و کردار و اعمال و از جهت گفتار و بیان، اگر انسان تمام حرکات و سکنات و همه احوال او روی صدق، راستی، درستی و حقیقت صورت گیرد، البته سرمایه خوش‌بختی و زمینه سعادت و مسیر کمال و انسانیت را به دست آورده است. پس صدق در صورتی ثابت و برقرار می‌شود که از مراحل کذب، تقلب، حيله و انحرافات در افکار و اعمال و تظاهرات بر خلاف حقیقت و خودنمایی و خودستایی و هواپرستی و هوسرانی و دیگر افکار و رفتار و کردار و گفتارهای مخالف حق، دوری کرده و از هر گونه نادرستی و زشتی خود را پاک و تزکیه نماید (عزیزی، ۱۳۸۱: ۳۲۸).

بنابراین با توجه به صریح آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام، می‌توان به این نتیجه رسید که راستگویی از اعمال نیک و پسندیده انسانی بوده و نزد دین و خرد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اسلام دین دعوت به فطرت انسانی است و فطرت پاک انسان ایجاب می‌کند که انسان سالم و متعادل، دل و زبانش یکسو و هماهنگ باشد، ظاهر و باطنش یکی باشد و آنچه را باور دارد بر زبان جاری کند. مقام معظم رهبری معتقدند که انقلاب اسلامی به کار آدم‌های کارآمد و صادق نیاز دارد و صدق و اخلاص، شرط اول است (بیانات رهبری در دیدار کارکنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۶۸/۵/۱۸) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2159>) و صداقت یکی از دستاوردهای این نظام مقدس است: «شما با عمل خودتان، عنصر دین، ایمان، عدالت و صدق را در معادلات جهانی وارد کردید، در حالی که صداقت و راستگویی در معادلات سیاسی دنیا گم شده است» (بیانات رهبری در دیدار با مردم سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۷). (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3361>)

پنج. عفو و گذشت

روح گذشت از تقصیر دیگران و نادیده گرفتن خطاهای آنان، از دیگر رسالت‌های قرآن در آداب معاشرت است. عفو و گذشت یکی از فضیلت‌ها و منش‌های نیک در رفتار و اخلاق انسانی است. کسانی که رنگ خدایی به خود می‌گیرند انسان‌های با گذشتی هستند

که از خطا و گناه و اشتباه دیگری چشم می‌پوشند. خداوند متعال در قرآن کریم، صبر را عاملی برای گذشت انسان‌ها در برابر بدی‌ها می‌شمارد و می‌فرماید:

«وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (فصلت / ۳۴ - ۳۵)؛ «هرگز خوبی و بدی یکسان نیست، بدی را با خوبی دفع کن تا دشمنان سرسخت همچون دوستان گرم و صمیمی شوند. اما جز کسانی که دارای صبر و استقامتند به این مقام نمی‌رسند و جز کسانی که بهره عظیمی (از ایمان و تقوا) دارند به آن نایل نمی‌گردند».

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «عفو و گذشت به هنگام قدرت، روش فرستادگان الهی و اهل تقوا است» (قمی، ۱۴۱۴: ۲ / ۲۰۷).

انسان‌ها در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که افراد آن درک‌های متفاوت، اخلاق گوناگون، طبع‌ها و مزاج‌های متباین از یکدیگر دارند، بنابراین در میان چنین انسان‌هایی بدون صبر و روحیه گذشت نمی‌توان زندگی کرد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «باید بخشش کنید و لغزش‌های دیگران را نادیده بگیرید آیا دوست ندارید خداوند شما را ببخشد؟» (نور/۲۲). بنابراین گذشت از لغزش‌های مردم نه تنها باعث جلب رحمت الهی و بهره‌مندی از آرامش بر خاسته از آن می‌شود، بلکه موجب جلب و جذب محبت الهی نیز می‌شود و آدمی را در جرگه محبان خداوندی قرار می‌دهد که رسیدن به مقام حب الهی در حقیقت رسیدن به بسیاری از کمالاتی است که در آثار محبت الهی بیان شده است. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «فرهنگ ایثار، فرهنگ گذشت، فرهنگ مایه گذاشتن از خود برای سرنوشت جامعه و برای سرنوشت مردم. این فرهنگ اگر عمومی شد، این کشور و هر جامعه‌ای که این فرهنگ را داشته باشد، هرگز متوقف نخواهد شد؛ به عقب بر نخواهد گشت و پیش خواهد افتاد» (بیانات رهبری در دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای امور تربیتی، ۱۳۹۳/۱۱/۲۷).

۲.۲. نظم بخشی به امور اجتماعی

مهم ترین بخش زندگی انسان به شکل اجتماعی اداره می شود. انسان به عنوان موجودی با فرهنگ برای حفظ روابط اجتماعی از طریق افکار و احساسات، ارزش ها و هنجارها اجتماعی را شکل داده و بر حسب آن پدیده «نظم اجتماعی» را سامان می دهد، از این رو هرگاه ارزش های اجتماعی و قواعد رفتار مراعات نشود، نظم اجتماعی آسیب می بیند که از آن در جامعه به عنوان «کجروی» یا انحراف اجتماعی یاد می شود که این انحراف انسان و جامعه را از رسیدن به مطلوب خود باز می دارد. بزرگترین هدف هر نظام سیاسی و اجتماعی، تأمین نظم و امنیت اجتماعی است.

از سفارش های مهم حضرت علی علیه السلام در واپسین لحظات عمر شریفش، توصیه به نظم است. این نظم که حضرت علی علیه السلام در وصیت نامه خویش بدان اشاره کرده است، شامل نظم و امنیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظم در عبادات و امور مربوط به خانواده و تعلیم و تربیت می شود (ر. ک: نهج البلاغه: نامه ۳۱). آن حضرت با تعبیری زیبا نقش قرآن را در تنظیم امور اجتماعی بیان نموده، می فرمایند: «وَ تَنْظُمَ مَا بَيْنَكُمْ» (نهج البلاغه: خطبه ۱۵۷)؛ نظم امور و روابط بین شما در قرآن است. یعنی اگر شما خواهان نظم مطلوب و معقولی هستید که در سایه آن همه افراد جامعه به حقوق مشروع خود برسند، امور خود را بر اساس رهنمودهای قرآن سامان بخشید. نظم و راه سامان بخشیدن به روابط بین شما مسلمانان در قرآن است. این کتاب آسمانی چگونگی روابط اجتماعی شما را نیز تعیین می کند؛ زیرا بزرگ ترین هدف هر نظام سیاسی و اجتماعی تأمین نظم و امنیت اجتماعی است. با توجه به بیان حضرت که به پیروان خود توصیه می کنند که امور سیاسی و روابط اجتماعی خود را بر اساس قرآن سامان دهید و این امر زمانی میسر خواهد بود که باور مسئولان و دست اندرکاران حکومت، به برنامه و سیاست های کلی قرآن کریم است تا آنها به قرآن و کارآمد بودن رهنمودهای آن در حل مشکلات جامعه و تأمین سعادت افراد، ایمان قلبی و اعتقاد راسخ نداشته باشند، نه تنها در عمل، قرآن را الگوی خود قرار نمی دهند، بلکه

در صدد فهم معارف قرآن نیز برنمی‌آیند. تا چنین نباشند قرآن بر جامعه حاکم نخواهد بود؛ بنابراین حاکمیت قرآن در جامعه در گرو ایمان و باور قلبی کارگزاران حکومت به این کتاب آسمانی است که این مساله نیز به نوبه خود در گرو شناخت آنها نسبت به این نسخه شفافبخش الهی و احساس نیاز آنها به دین و حکومت الهی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۲۹).

این احساس نیز جز با ایجاد روحیه بندگی و اطاعت و پذیرش حاکمیت خداوند متعال حاصل نمی‌شود و این روحیه بندگی و اطاعت پذیری است که به انسان و جامعه کمک می‌کند تا با پیروی از رهنمودهای جاودانه قرآن کریم به سرمنزل هستی و غایت خلقت انسان که قرب الهی دست پیدا کند. حضرت آیت الله خامنه‌ای بر آنند که نظم از جمله موضوعاتی است که وقتی انسان در معنا و مفهوم و کارکرد آن در زندگی خود غور می‌کند، اهمیّت آن را بیشتر درک می‌کند (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۱/۹/۱).

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3155>)

۱.۲. عوامل نظم اجتماعی جامعه

پشتوانه نظم اجتماعی و سیاسی در جامعه انسان‌ها، اخلاق و ارزش‌های اخلاقی است. مگر می‌شود بدون درک مسئولیت‌ها و تعهدات اخلاقی به نظم اجتماعی اندیشید. از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه تا فرد و جامعه به ارزش‌های اخلاقی نیاندیشند و آن را از نظر کاربردی در زندگی روزانه خود بکار نگیرند از نظم اجتماعی و سیاسی نیز خبری نخواهد بود. آنچه از دیدگاه حضرت علی علیه السلام در نهج‌البلاغه باعث نظم اجتماعی در جامعه می‌شود به شرح ذیل است:

۱.۲-۱. پیروی از قرآن

اخلاق اجتماعی تسری اخلاق فردی به حیطة اجتماع است. کلید واژه‌هایی که در اخلاق اجتماعی برای بیان اخلاق کارگزار استفاده می‌شود دو چیز است: کسب رضایت خدا و خدمت‌گزاری عاشقانه مردم. البته این دو عامل در طول یکدیگر هستند، نه در

عرض یکدیگر؛ بدین معنا که کارگزار برای کسب رضای الهی باید رضایت مردم را جلب کند. این امر از طُرُقی چون حل مشکلات مردم و تسهیل شرایط زندگی اسلامی مردم محقق می‌شود. همچنین بایستی مشکلات و چالش‌هایی که با آنان درگیر است را به طور صادقانه با مردم در میان بگذارد و در جایی که نیاز است، در مقابل مردم پاسخگو باشد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«دو ستون درست کنید: کارها و خدماتی که انجام داده‌اید؛ کارهایی که انجام نداده‌اید، یا ناکام مانده‌اید در انجامش. اینها را با مردم در میان بگذارید و بدانید که مردم قدر خدمت و قدر تلاش را می‌دانند. ما باید، هم کارهای کرده‌ی خودمان و هم کارهای نکرده‌ی خودمان، یا درست نکرده‌ی خودمان را با صداقت در میان بگذاریم» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۳/۶/۴). ([https://farsi.khamenei.ir/speech-\(content?id=3247](https://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=3247)

رهبر انقلاب اسلامی تأکید دارند، در جامعه اسلامی باید هدایت و معیارهای قرآنی مورد تبعیت قرار گیرند (بیانات رهبری در محفل انس با قرآن در حضور رهبر انقلاب، ۱۳۹۲/۴/۱۹) (<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=23069>) تا چنین جامعه‌ای شکل بگیرد و راه تحقق چنین جامعه‌ای اسلامی، قرآنی شدن جامعه است. ایشان راه قرآنی شدن جامعه را در عمل تک‌تک افراد جامعه به قرآن کریم می‌دانند تا بدین وسیله مصداق جامعه قرآنی به وجود آید. رسیدن به این مهم را در طی کردن مراحل انس با قرآن کریم می‌دانند. «عمل خودمان را باید قرآنی کنیم، الهی کنیم. به گفتن نیست، به زبان نیست، به ادعا کردن نیست) باید در عمل در این راه حرکت کنیم و قدم برداریم. با قرآن کریم که انس می‌گیرید، قرآن کریم را که تلاوت می‌کنید، هر جایی دستوری است، هدایتی است، نصیحتی است، در درجه اول سعی کنید آن را در وجود خودتان، در باطن خودتان و در دل خودتان پایدار کنید و آن را به عمل خودتان نزدیک کنید. هر کدام از ما اگر در عمل این را

متعهد شدیم، جامعه پیش خواهد رفت. جامعه قرآنی خواهد شد» (همان). در نهایت، شکل‌گیری جامعه قرآنی به عنوان مصداق کامل جامعه اسلامی از دیدگاه معظم له منوط به طی مراحل انس با قرآن کریم است.

اگر فرد و جامعه به رهنمودهای قرآن کریم توجه لازم داشته باشند و رهنمودهای آن را از نظر کاربردی به کار گیرند، عدالت اجتماعی و نظم اجتماعی - سیاسی در همه ابعاد در جامعه استقرار خواهد یافت. میرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را هنگامی فرستاد که پیامبران حضور نداشتند، اگر انسانی یا ملت‌هایی پیروز گردیدند و به اوج قله کمال رسیدند، جان و جهان را دگرگون کردند و استقلال و آزادی خود را رنگ جاودانه زدند، همه آن پیشرفت‌ها، پروازها، موفقیت‌ها، در سایه ارزش‌های اخلاقی بود. و امت‌ها در خواب غفلت بودند و رشته‌های دوستی و انسانیت از هم گسسته بود، پس پیامبر صلی الله علیه و آله به میان خلق آمد در حالی که کتاب‌های پیامبران پیشین را تصدیق کرد و با نوری هدایتگر انسان‌ها شد که همه باید از آن اطاعت نمایند و آن، نور قرآن کریم است. از قرآن بخواهید تا سخن گوید، که هرگز سخن نمی‌گوید، اما من شما را از معارف آن خبر می‌دهم، بدانید که در قرآن علم آینده و حدیث روزگاران گذشته است، شفا دهنده دردهای شما و سامان دهنده امور فردی و اجتماعی شما است» (نهج البلاغه: خطبه / ۹۳).

۱.۲-۲. اطاعت از رهبری

یکی دیگر از عوامل برقراری نظم اجتماعی - سیاسی، پیوند مردم با رهبر، اطاعت از رهبری و حضور امام عادل در همه ابعاد زندگی امت است. امامت عامل اساسی برقراری نظم و ریشه‌کن کردن هرگونه هرج و مرج طلبی است. امت‌هایی که از رهبری اطاعت کردند به پیروزی رسیدند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «و امامت را برای سازمان یافتن امور امت و فرمانبرداری از امام را برای بزرگداشت مقام رهبری واجب کرد.» (نهج البلاغه:

حکمت/ ۲۵۲). مقام معظم رهبری با اشاره به وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمودند: «و نظم امرکم» (نهج البلاغه: نامه ۴۷)؛ می فرمایند:

«نظم امرتان؛ یعنی چه؟ یعنی همه کارهایی که در زندگی می کنید، منظم باشد؟ معنایش این است؟ ممکن است معنایش این هم باشد. نفرمود «نظم امورکم»؛ کارهایتان را منظم کنید. فرمود «نظم امرکم». آن چیزی که باید منظم و محکوم نظم و انضباط باشد، «یک چیز» است. «نظم امور» نفرموده است. فرموده است: «ونظم امرکم». انسان می فهمد که این نظم امر، عبارت است از امری مشترک بین همه است. به نظر من می رسد که «نظم امرکم» عبارت از اقامه نظام و حکومت و ولایت اسلامی باشد. معنایش این است که با قضیه حکومت و نظام، منطبق با نظم و انضباط رفتار کنید و بلبشو نباشد. دنیای اسلام بر اثر همان بلبشوها و به خودخوانیها بود که به آن روزگار رسید. اگر آن روز که امیرالمؤمنین علیه السلام زمام امور دنیای اسلام را به دست گرفت و امت اسلام، همه در آن روز با او بیعت کردند، بر آن بیعت می ماندند، کار به نابسامانیها و تلخکامیها نمی کشید. پیغمبر فرموده بود: «اگر کسی امام شد و مردم او را پذیرفتند و مورد رضای خدا بود، کسی حق ندارد با او مخالفت کند». اگر به همین جمله پیغمبر عمل می شد، آن جنگها پیش نمی آمد؛ نه جنگ جمل، نه جنگ صفین و نه جنگ نهروان. این که افرادی به میل و برای دل خود، مردم را متزلزل کنند (از این طرف بکش؛ از آن طرف بکش) و نظام حکومت را به هم بزنند و انضباط عمومی کشور را مختل کنند، همان بدبختی بزرگی است که امیرالمؤمنین علیه السلام در این عبارت از وصیتنامه، از آن نهی می کند و به خلاف آن امر می فرماید: «ونظم امرکم و صلاح ذات بینکم» (بیانات رهبری در خطبه های نماز جمعه، ۱۳/۱۲/۱۳۷۲). <https://farsi.khamenei.ir/speech->

۱.۲-۳. رعایت حقوق

یکی از عوامل برقراری نظم اجتماعی سیاسی در جامعه، رعایت حقوق اجتماعی است. اگر مردم به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و حقوق فرد و جامعه رعایت شود، نظم سیاسی و اجتماعی تحقق می‌یابد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «خداوند سبحان، برای من، بر شما به جهت سرپرستی حکومت، حقی قرار داده و برای شما همانند حق من، حقی تعیین فرموده است، پس حق گسترده‌تر از آن است که توصیفش کنند، ولی به هنگام عمل تنگنایی بی‌مانند دارد» (نهج البلاغه: خطبه / ۱۷۶). «حق اگر به سود کسی اجرا شود، ناگزیر به زیان او نیز روزی به کار رود و چون به زیان کسی اجراء شود روزی به سود او نیز جریان خواهد داشت» (نهج البلاغه: خطبه / ۲۱۶). اگر بنا باشد حق به سود کسی اجراء شود و زیانی نداشته باشد، این مخصوص خدای سبحان است نه دیگر آفریده‌ها، به خاطر قدرت الهی بر بندگان و عدالت او بر تمام موجوداتی که فرمانش بر آنها جاری است، اما خداوند حق خود را بر بندگان، اطاعت خویش قرار داده و پاداش آن را دو چندان کرده است، از روی بخشندگی و گشایشی که خواسته به بندگان عطا فرماید. پس خدای سبحان برخی از حقوق خود را برای بعضی از مردم واجب کرد و آن حقوق را در برابر هم گذاشت، که برخی از حقوق برخی دیگر را واجب گرداند و حقی بر کسی واجب نمی‌شود مگر همانند آن را انجام دهد و در میان حقوق الهی بزرگ‌ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حق واجبی که خدای سبحان بر هر دو گروه لازم شمرد و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر و عزت دین قرار داد.

۱.۲-۴. رعایت ارزش‌های اخلاقی

یکی دیگر از عوامل برقراری نظم اجتماعی، رعایت ارزش‌های اخلاقی است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«پس اگر در تعصب ورزیدن ناچارید، برای اخلاق پسندیده، افعال نیکو و کارهای خوب تعصب داشته باشید، همان افعال و کرداری که انسان‌های

باشخصیت و شجاعان خاندان عرب و سران قبائل در آن‌ها از یکدیگر پیشی می‌گرفتند، یعنی اخلاق پسندیده، بردباری به هنگام خشم فراوان و کردار و رفتار زیبا و درست و خصلت‌های نیکو، پس در حمایت کردن از پناهندگان و همسایگان، وفاداری به عهد و پیمان، اطاعت کردن از نیکی‌ها، سرپیچی از تکبر و خودپسندی‌ها، تلاش در جود و بخشش، خودداری از ستمکاری، بزرگ شمردن خونریزی، انصاف داشتن با مردم، فرو خوردن خشم، پرهیز از فساد در زمین تعصب و رزید تا رستگار شوید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۴۳).

آن حضرت زمانی که شورشیان بصره را نکوهش می‌کند، به مشکل اخلاقی آنان اشاره کرده می‌فرماید علل برهم خوردن نظم اجتماعی، سیاسی شهر شما آن است که اخلاق شما مردم مرده است و ضد ارزش‌ها در شما حاکم گردید:

«شما سپاه يك زن بودید و پیروان حیوان "شتر عایشه" تا شتر صدا می‌کرد می‌جنگیدید و تا دست و پای آن قطع گردید فرار کردید، اخلاق شما پست و پیمان شما از هم گسسته، دین شما دورویی و آب آشامیدنی شما شور و ناگوار است، کسی که میان شما زندگی کند به کیفر گناهش گرفتار می‌شود و آن کس که از شما دوری گزیند مشمول آموزش پروردگار می‌گردد، گویا مسجد شما را می‌بینم که چون سینه کشتی غرق شده است، که عذاب خدا از بالا و پایین او را احاطه می‌کند و سرنشینان آن همه غرق می‌شوند» (نهج البلاغه: خطبه ۱۳).

قرآن کریم عالی‌ترین برنامه الهی برای زندگی موحدین است و خدای متعال عزت و رستگاری دنیا و آخرت پیروان این کتاب آسمانی را تضمین کرده است؛ بنابراین در صورتی که جامعه اسلامی ما فرامین و دستورات حیات بخش قرآن را به کار بندد و با ایمان به صدق وعده‌هایش آن را الگوی عمل خویش قرار دهد، قرآن تمام نیازهای فردی و اجتماعی و مادی و معنوی جامعه را برمی‌آورد و جامعه اسلامی را از هر چیز و هر کس بی‌نیاز می‌کند. بدون قرآن، این ثقل اکبر الهی، نمی‌توان مشکلات و نیازمندی‌های فردی و اجتماعی جامعه را

برطرف کرد. هیچ کس از قرآن کریم بی‌نیاز نخواهد بود و هرگز جامعه از قرآن مستغنی نخواهد شد (ر. ک: نهج‌البلاغه: خطبه ۱۷۶)؛ یعنی برای ایجاد جامعه‌ای بر پایه قسط و عدل و ارزش‌های اخلاقی و انسانی، اگر تمامی علوم و تجربه‌های بشری به خدمت گرفته شوند و همه افکار و اندیشه‌ها بسیج گردند، بدون قرآن هرگز راه به جایی نخواهند برد، چرا که غنا و بی‌نیازی برای کسی بدون قرآن میسر نمی‌شود تا فرد و جامعه به ارزش‌های اخلاقی نیاندیشند و به آن عمل نکنند نظم اجتماعی محقق نخواهد شد.

نتیجه‌گیری

قرآن مجید کلام خدای متعال و کامل‌ترین و جامع‌ترین کتاب آسمانی است که رسالت اجتماعی آن، نظم‌بخشی اجتماعی است. رسالت اجتماعی قرآن کریم بدان معناست که اهداف اجتماعی در جامعه و راهکارهایی که در جهت نیل به این اهداف است، در قرآن بیان شده است. امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه که از نظر معنا و مطالب، هماهنگی خاصی با قرآن دارد و گویی روح آیات قرآن در کالبد سخنان نهج‌البلاغه جاری است، از قرآن کریم به‌عنوان برنامه زندگی و درمان دردهای مهم بشری یاد نموده است که در پرتو آن، جامعه آرمانی اسلامی به وجود می‌آید. توجه به قرآن و مفاهیم آن مهم‌ترین نکته در رسیدن به سعادت و کمال است. امام علی علیه السلام که باب مدینه علم نبوی است و سخنانشان نمایشگر حقایق اصیل دین است، از افقی بلند و جامع، بهترین مسائل بُعد اجتماعی یعنی معاشرتی، اقتصادی و سیاسی را برای هدایت بشر جهت رسیدن به سعادت ابدی بیان فرموده است. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز که می‌توان آن را منشور انقلاب اسلامی در نقطه عطف چهل سالگی دانست، برگرفته از قرآن کریم و روح حاکم بر آن متأثر از مفاهیم و فضای قرآنی و بیانات معصومین علیهم السلام به ویژه نهج‌البلاغه است. بیانیه گام دوم طرح عملیاتی تحقق دولت اسلامی و جامعه اسلامی با توجه به مختصات کنونی جامعه ایران است. نظام‌سازی قرآنی با همه ابعاد خود در این بیانیه تجلی دارد و گوهر تغییر و تحول

متعالی جامعه محسوب می‌شود.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رسالت اجتماعی قرآن در بُعد معاشرت، تبیین ارزش‌های اخلاق اجتماعی مانند جایز بودن تنوع ارزش‌های اجتماعی مثبت و پرهیز از نوآوری‌های غیرعقلایی با تأکید بر حفظ ارزش‌های اجتماعی؛ انتقال ارزش‌های اجتماعی مثبت، پیشگیری از پدید آمدن ارزش‌های اجتماعی منفی، تبیین علل سقوط جوامع انسانی و بیان هنجارها و آداب معاشرت مانند رابطه دوستانه و صمیمی، خوشرفتاری و حسن خلق، ادب و رعایت احترام به دیگران، صدق و راستی و عفو و گذشت؛ و تبیین نظم بخشی به امور اجتماعی و عوامل آن مانند اطاعت از رهبری، رعایت حقوق و ارزش‌های اخلاقی در جامعه است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- * نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ سیزدهم، قم: مشهور، ۱۳۸۰ ش.
۱. آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، قم: نشر دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۲. غررالحکم ودرر الکلم، ترجمه و شرح فارسی: آقا جمال خوانساری، تحقیق: میر جلال‌الدین محدث ارموی، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ ش.
۳. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۳۸۵ ق.
۴. ابن میثم، کمال‌الدین میثم ابن علی، شرح نهج البلاغه، ترجمه: قربانعلی محمدی مقدم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۵. ابن فارس، ابی‌الحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالاسلامیه، بی تا.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۷. بروجردی، سید حسین، جامع الاحادیث الشیعه، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۹۹ ق.
۸. بانکی پور فرد، امیرحسین، قماشچی، احمد، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، بی جا، تربیت اسلامی وابسته به معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
۹. جعفری، سید محمد مهدی، پرتویی از نهج البلاغه، چاپ سوم، تهران، انتشارات سازمان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. جوهری، اسماعیل، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربیه، چاپ چهارم، بیروت، دارا لعلم، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، تهران،

- المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. خامنه‌ای، سید علی، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، تهران، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۷.
۱۳. خمینی، روح‌الله، اربعین حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۵۸ ش.
۱۴. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹ ش.
۱۵. درایتی، مصطفی، معجم الفاظ غررالحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، چاپ چهارم، تهران، کیمیا، ۱۴۲۵ ق.
۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۴ ق.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۰. عزیزی، عباس، ترجمه مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، قم، انتشارات صلاه، ۱۳۸۱ ش.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۲۲. فیض الاسلام اصفهانی، علی‌نقی، شرح نهج البلاغه، تهران، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام، ۱۳۷۹ ش.
۲۳. فیض کاشانی، محمد، المحجة البيضاء فی تهذیب الإحیاء، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.

۲۴. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ ش.
۲۵. قمی، شیخ عباس سفینه البحار و مدینه الحکم، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ ق.
۲۶. کاشانی، مولی فتح الله، شرح نهج البلاغه، تصحیح و ویرایش: محمدجواد ذهنی تهرانی، تهران، پیام حق، ۱۳۷۸ ش.
۲۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الاصول الکافی، تصحیح و تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات علمیه الاسلامیه، بی تا.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
29. محدثی، جواد، اخلاق معاشرت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۳۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ اول، تهران، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۷ ش.
۳۱. مصباح یزدی، محمد تقی، قرآن در آیین نهج البلاغه، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۹۴ ش.
۳۲. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، چاپ چهارم، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۶ ش.
۳۳. ... سیری در نهج البلاغه، چاپ دوم، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۵۴ ش.